

تحلیل تطبیقی کارکردهای سیاق در تفاسیر المیزان و نمونه

* لیلا احمدی
** محمد فاکر میبدی

چکیده

قاعده سیاق یکی از قواعد تفسیری پرکاربرد است که نقش بسزایی در قرآن‌پژوهی دارد. برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی به میزان زیادی از آن بهره گرفته‌اند. این جستار پس از تبیین سیاق و اعتبار و شرایط تحقق آن، به جایگاه، بسامد و کارکردهای دوازده‌گانه آن در تفاسیر المیزان و نمونه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این قاعده ۳۹۴ بار در تفسیر نمونه و بیش از پنج برابر آن در تفسیر المیزان مورد استفاده قرار گرفته است. این نسبت در کارکرد تبیین مفهوم آیات که پرسامدترین کارکرد در هر دو تفسیر نیز هست، تقریباً حفظ شده است. پس از آن، ارزیابی آراء مفسران، تعیین معنای واژه، تبیین قواعد ادبی، ارزیابی روایات، تاریخ‌گذاری قرآن، تشخیص مرجع ضمیر، تشخیص مخاطب، تبیین مبهمات، ارزیابی قرائات و تقيید مطلقات جایگاه بعدی در هر دو تفسیر را از آن خود کرده‌اند. تنها کاربردی که برخلاف روند سایر کاربردها، در تفسیر نمونه فراوانی بیشتری دارد، استخراج احکام فقهی است که بهروشی تأثیر توانایی، علاقه و هدف مفسر را در میزان بهره‌گیری او از قاعده سیاق نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

تفسیر ادبی، کارکردهای سیاق، قاعده تفسیری، تفسیر المیزان، تفسیر نمونه.

*. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم (نویسنده مسئول).
ahmadikhomyni@gmail.com
m_faker@miu.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۹

**. استاد گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی ﷺ، العالیه.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱

طرح مسئله

علم رو به رشد قواعد تفسیر در هر دوره‌ای متناسب با تکمیل عقول بشری، قابلیت گسترش و تعمیق داشته و نیازمند اهتمام دانشمندان علوم قرآنی است. بررسی آراء تفسیری مفسران و ارائه معیارهایی برای تفسیر صحیح و جلوگیری از استنباط‌های نادرست از آیات قرآن کریم، نیاز به قواعد تفسیر را دو چندان می‌کند، قواعده‌ی که اصولی کلی را پیش‌روی قرآن‌پژوه می‌گشاید تا در هر موقعیت ممکن، کاربست آنها دستیابی به مراد اصلی متکلم و مدلول‌های واقعی الفاظ و ترکیب‌های قرآنی را دست‌یافتنی سازد. قاعده سیاق یکی از جنجالی‌ترین قواعد تفسیری است که در زیرمجموعه «قواعد ارتباطی تفسیر» گنجانده می‌شود.

مراد از قواعد ارتباطی در مباحث علوم قرآنی قواعده‌ی است که پیرامون آیه یا فقره‌ای از قرآن، با توجه به پذیرش ارتباطش با آیات و فقرات ماقبل و مابعدش سخن می‌گوید و نقش اساسی در تفسیر آن آیه یا فقره ایفا می‌کند.

در این پژوهش رویکرد ویژه دو تفسیر *المیزان* و نمونه به قاعده سیاق، همچنین میزان و اصول بهره‌گیری هر دو تفسیر از این قاعده بررسی می‌گردد؛ نمونه آیاتی که به طور مشترک از سیاق در تفسیر آن بهره‌جسته‌اند و آیاتی که در استفاده از سیاق در آن اختلاف داشته‌اند مبنای رویکرد ویژه هر مفسر را به این قاعده مشخص می‌کند.

بنابراین اگر نگاه ویژه هر مفسر به قواعد تفسیری مورد تنقیح و بررسی قرار گیرد، مجموعه‌ای دقیق، گسترده و کارآمد از قواعد تفسیر به دور از کلی‌گویی به همراه نمونه آیاتی که دربردارنده تطبیقات میدانی است در اختیار علاقمندان و مفسران قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

قرآن‌پژوهان افزوون بر توجه به قاعده سیاق در کنار قواعد دیگر، به طور ویژه نیز به بررسی و تبیین آن اهتمام داشته‌اند که به مهم‌ترین این آثار اشاره می‌شود:

- کتاب *نظریه السیاق القرآنی در اسسه تاصلیه دلالیه نقدیه*، نوشته المثنی عبدالفتاح محمود که در سال ۲۰۰۸ م در اردن به چ رسیده است.

- کتاب *نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه*، اثر عباس کوثری که در سال ۱۳۹۲ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم منتشر شده است.

- مقاله «جایگاه سیاق در المیزان»، محمدعلی رضایی‌کرمانی در سال ۱۳۷۶ در مجله

پژوهش‌های قرآنی، شماره نهم و دهم منتشر و به سیاق آیات و جایگاه آن در فهم قرآن در **المیزان** پرداخته است.

- مقاله «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات»، ولی‌الله نقی پورفر و رضا حاج خلیلی که در سال ۱۳۹۰ در **فصلنامه کتاب قیم**، سال اول، شماره دوم منتشر شده و به سیاق به عنوان یکی از اصول مهم تفسیری برای دستیابی به مدلول‌های واقعی الفاظ پرداخته است.

- مقاله «سیاق و سیاق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی»، مهدی ایزدی و نورالدین زندیه، در سال ۱۳۹۱ در **مجله مطالعات قرآن و حدیث**، سال پنجم، شماره دوم به ج رسیده است و سیاق را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول و مبانی علامه در روش تفسیر قرآن به قرآن مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله «بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان»، رسول محمد جعفری و دیگران، که در سال ۱۳۹۵ در **محله سراج منیر**، ش ۲۴، منتشر شده است و به تبیین کارکردهای سیاق در این تفسیر و میزان فراوانی هر کدام پرداخته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، برخی از آثار فوق تنها به بررسی قاعده سیاق به صورت کلی پرداخته‌اند و برخی نیز رویکرد علامه طباطبایی را به‌طور مجزا مورد بررسی قرار داده‌اند. در نوشتار پیش‌رو برای نخستین بار به روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای به بررسی جایگاه سیاق، بسامد و کارکردهای دوازده‌گانه آن در دو **تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه** پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

۱. قاعده تفسیری

«قاعده» در لغت به پایه و اساس هر چیز گفته می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ / ۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ / ۳؛ ۳۶۱) و جمع آن «قواعد» است. بسیاری از لغت‌دانان آن را ضابطه و امری کلی دانسته‌اند که بر تمام جزئیات منطبق است. (ن.ک: فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۵۱۰ / ۵؛ جرجانی، ۱۳۵۷: ۷۳)

اما در اصطلاح، «قواعد تفسیر، احکام کلیه‌ای است که به واسطه آنها استنباط معانی قرآن عظیم و شناخت چگونگی استفاده از آن [احکام] به دست می‌آید» (سبت، ۱۴۲۶: ۳۰) به عبارت دیگر «قاعده قضیه‌ای کلی است که استنباط معانی قرآن با آن حاصل می‌شود». (فاکر مبیدی، ۱۴۲۸: ۳۳) بنابراین، قواعد تفسیر مجموعه دستور العمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی است که با وجود آنها تفسیر ضابطه‌مند می‌شود و با رعایت آنها خطأ در فهم معنا و

مراد آیات کاهاش می‌یابد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۶) روشی است که تمام تعاریف اصطلاحی فوق به نوعی بر کلی و عام بودن و همچنین پایه و اساس بودن آن تأکید دارد.

۲. سیاق

واژه «سیاق» به لحاظ ساختاری مصدر، و در اصل «سیاق» بوده که مطابق قواعد إعلام صرفی، واو در آن به یاء تبدیل شده است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۲۲۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۱۶۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۲ / ۴۲۴) لغت‌پژوهان معانی گوناگونی مانند رشتہ پیوسته، راندن، تابع، اسلوب و روش، امور مخفی، کنایه از شدت داشتن، صداق و مهریه زن بیان کرده‌اند. (طربی‌خواهی، ۱۳۷۵؛ فیومی، ۱۴۱۴؛ جوهری، ۱۳۷۶: ذیل ماده سوق) همان‌طور که مشاهده می‌شود، معنای اصلی «سیاق»، راندن، حرکت و جریان است و همین معنا در ترکیباتی چون «سیاق کلمات» به اعتبار احاطه یک شیوه و سبک خاص بر کلام اراده شده است.

معنای اصطلاحی این واژه در علم تفسیر، تتابع و نظم معانی در یک رشتہ از الفاظ قرآنی، (عبدالفتاح محمود، ۱۵: ۲۰۰۸) اسلوب و شیوه جریان سخن، (گروه مولفان، ۱۳۷۵: ۴۶۵) ویژگی یک یا چند جمله در پیوستگی و انسجام ساختاری و وحدت یا ارتباط محتوایی و موضوعی (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۲۷۲ – ۲۴۷) دانسته شده که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر پدید می‌آید. (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷)

برخی از قرآن پژوهان قرائی پیوسته عقلی را نیز در ذیل «سیاق» دیده‌اند (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۲۵) و عده‌ای دیگر چون سید محمدباقر صدر سیاق را هرگونه دلیل پیوند خورده به لفظ و عبارتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، خواه از مقوله لفظ باشد یا قرینه حالیه – مانند فضاء، احوال و شرایط کلام – دانسته‌اند. (صدر، ۱۴۲۰: ۱۰۳) بنابراین «سیاق یک مفهوم اساسی در هنگام تفکر برای تکلم است که در ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و بر پایه آن، معانی و مفاهیم نظم می‌یابد و سپس آن معانی برای انتقال به مخاطب در قالب الفاظ (صوت، کلمه، جمله و عبارت‌ها) شفاهی یا نوشتاری، ظهور می‌یابد. بدین جهت می‌توان گفت: سیاق عامل همبستگی و ارتباط با تفکر آدمی است». (کنعانی، ۱۳۸۴: ۲۹)

اعتبار و حجیت سیاق

اصل اعتبار و حجیت سیاق بر این مبنای استوار است که گوینده عاقل و آشنا به قواعد محاوره، هرگز از کلمات و جمله‌هایی که به کار می‌برد، معانی متناقض، متضاد، ناهماهنگ و نامتناسب اراده نمی‌کند و از این‌رو «واژه‌ها و جمله‌هایی که با هم از گوینده‌ای حکیم صادر می‌شوند در معانی متناسب و

هماهنگ ظهور پیدا می‌کند»، (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) به عبارت دیگر اعتبار سیاق برای فهم معنای مراد، برگرفته از سیره عقلانست. (علم کلایی، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

قرآن یک متن منسجم است که تمامی اجزای آن نسبت به یکدیگر همگرایی معنایی دارند و «به دلیل عدم امکان غفلت و فراموشی در گوینده آن، این اصل عقلایی - سیاق - در مورد قرآن قابل بازیابی است»، (مطهری، ۱۳۷۰: ۱ / ۲۱۲) این اصل در مورد قرآن و گوینده آن، نه تنها قابل بازیابی است بلکه چون برتر از هر متن و ماتنی هستند، بیشترین اعتبار را دارد.

برخی روایات قید یا قیودی به اعتبار و حجیت سیاق زده‌اند، به عبارتی دیگر چهارچوبی برای چگونگی استفاده از سیاق تعریف کرده‌اند، که از آن به عنوان شرایط تحقق سیاق نیز یاد می‌کنند، کمیت و کیفیت استفاده از سیاق در تفاسیر مختلف متفاوت می‌باشد، اما روند روبه رشد آن از صدر اسلام تاکنون، کاملاً نمایان است.

شرایط تحقق سیاق

«مفسران دو شرط اصلی تتحقق سیاق را ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی»، (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۰۰) یا «وحدت نزول و وضوح ارتباط»، (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۷۶) می‌دانند، پس هرجا پیوستگی (تصوری و موضوعی) وجود داشته باشد، نقش آفرینی سیاق محرز است و هرجا پراکندگی آن ثابت شود سیاق نیز کارآیی نخواهد داشت؛ به بیانی دیگر «اگر در ترتیب نزول یا در موضوع، گستاخی وجود داشته باشد، جایی برای استناد به سیاق نیست؛ چراکه جهت‌گیری آنها متفاوت است، (معرفت، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۱۴) در موردهای مشکوک که نمی‌دانیم پیوسته است یا پراکنده؟ با اجرای اصل عدم پراکندگی در سخن می‌توان حکم به پیوستگی داد. (فاکر مبیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

جایگاه سیاق در تفسیر المیزان و نمونه

در این بخش به بررسی جایگاه سیاق در تفسیر المیزان و نمونه پرداخته می‌شود. علامه طباطبائی و آیت‌الله مکارم شیرازی استفاده از سیاق در رسیدن به هدف اصلی آیات و تفسیر درست آنها را دارای تأثیر چشمگیری می‌دانند، اما میزان و نحوه بهره بردن از این قاعده مهم تفسیری در کتب تفسیر آنان تفاوت‌هایی با هم دارد که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱. دیدگاه مؤلفان تفسیر المیزان و نمونه درباره قاعده سیاق

صاحب **المیزان** در تفسیرش از سیاق بسیار بھر جسته و بیش از دیگران به آن اهتمام ورزیده است؛ به عنوان نمونه ایشان در سوره کوتاه نبأ بیش از سی مورد از سیاق و اثر آن سخن گفته است.

شاید بتوان گفت بعد از تفسیر آیه به آیه که مهمترین شاخصه **المیزان** است، استفاده گسترده از سیاق که در واقع نوعی تفسیر قرآن به قرآن است، این تفسیر را از سایر تفاسیر ممتاز ساخته است. با اینکه **المیزان** تفسیری سیاقی است اما مفسر در صدد تحمیل ارتباط به آیات مستقل نیست، چنان که ایشان در این باره می‌نویسد:

وقتی همه می‌دانیم آیات قرآن تکه‌نکه و به تدریج نازل شده دیگر احتیاج نداریم که با زحمت و با چسب‌های نچسب بین آنها ارتباط برقرار کنیم، بله بعضی از آیات قرآن هست که به یکدیگر مربوطند و ارتباطشان روشی است، که شأن کلام بلیغ هم همین است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۸۱)

بنابراین با اینکه علامه طباطبایی بهره‌های فراوان از سیاق برده است اما این‌گونه نبوده که همه‌جا سیاق را بپذیرد و به اصطلاح به دنبال ایجاد رابطه غیرواقعی بین آیات باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که هرجایی که **المیزان** از لفظ سیاق استفاده می‌کند، منظور از آن «قاعدۀ سیاق» نیست. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز قائل به اهمیت سیاق در تفسیر آیات است و با اینکه تفسیر ایشان به عنوان تفسیر سیاقی مطرح نمی‌باشد، ولی رویکرد مثبت به سیاق در ضمن **تفسیر نمونه** کاملاً آشکار است. ایشان در توضیح جایگاه سیاق یا نقش سیاق در تغییر معنا می‌گوید:

سیاق در فقه، تفسیر و حدیث نقش مهمی دارد؛ مثلاً در فقه در حدیثی امر به انجام چند غسل داده می‌شود که اکثر آنها را غسل واجب می‌دانیم، ولی واجب با مستحب بودن یکی از آنها در آن میان مشکوک است، در اینجا می‌گوئیم وحدت سیاق دلیل بر وجوب آن می‌باشد، یا مثلاً در حدیثی امر به روزه‌هایی شده که غالباً مستحب است ولی در میان آنها احتمال وجوب در یکی می‌دهیم، می‌گوئیم وحدت سیاق دلیل بر استحباب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳۹۶؛ مصحبه)

از آنجاکه آیات قرآن به تدریج و در واقعی مختلف نازل گردیده، همیشه پیوند با حوادثی دارد که در زمینه آن نازل شده است و چنان نیست که آیات یک سوره یا آیاتی که پشتسر هم قرار دارند، همواره پیوند نزدیک از نظر مفهوم و مفاد داشته باشد، لذا «بسیار می‌شود که دو آیه پشت سر هم نازل شده اما در دو حادثه مختلف بوده و مسیر آنها به خاطر پیوند با آن حوادث از یکدیگر جدا می‌شود»، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴ / ۴۳۱)، به عنوان نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب آیات ولایت در قرآن در تفسیر آیه تطهیر می‌نویسد: «منظور از اهل‌بیت ﷺ افرادی دیگر غیر از زنان پیامبر ﷺ بوده است که خداوند سیاق آیه تطهیر را متمایز از آیات قبل و بعد نازل کرده است».

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۶۳)، منظور از سیاق در اینجا مضمون آیه و محتوای آن، ضمائر و افعال است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۴۲۵: ۱۱۸) بهاین ترتیب سیاق در **تفسیر نمونه** به معنای بافت سخن، فضای حاکم بر آیات، روند و جریان کلی کلام یا همان روش و اسلوب کلام که سخن بر آن جریان می‌یابد، است. این تفسیر در آغاز تبیین و تفسیر هر دسته از آیات، به هم‌سیاق بودن آنها و همچنین ارتباط آیه با آیات قبل و بعد اشاره می‌کند، بهویژه ارتباطاتی که در تفسیر مؤثر است.

۲. بسامد کاربست قاعده سیاق

در **تفسیر المیزان**، ۲۳۶۴ بار واژه «سیاق» در معنای لغوی و اصطلاحی آن به کار رفته است. از این تعداد، ۵۲ بار این واژه در معنای لغوی و ۲۳۱۲ بار در معنای اصطلاحی برای تبیین کارکردهای تفسیری و غیر آن استفاده شده است. از آنجاکه علامه طباطبائی در برخی موارد برای بیان یک کارکرد، بیش از یکبار اصطلاح سیاق را به کار برده است، با احتساب این موارد، حدود ۲۱۱ مورد از کارکرد سیاق در **المیزان** به دست آمده است، که با کسر مواردی که بر خلاف سیاق حکم شده است، به عدد ۲۰۹۵ خواهیم رسید. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۹ - ۱۰)

در **تفسیر نمونه** تنها ۱۵ بار واژه «سیاق» به کار رفته است که از این میان در ۱۳ مورد قاعده سیاق مذکور بوده است. با این حال، موارد بسیار زیادی در این کتاب وجود دارد که بدون آمدن این واژه، از قاعده سیاق بهره گرفته شده است. در این پژوهش با مروری بر تحلیل‌های موجود در **تفسیر نمونه**، حدود ۳۹۴ مورد از کارکردهای سیاق در آن به دست آمد که در ادامه مقاله به تفکیک کاربرد، مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۳. کارکردهای قاعده سیاق

قاعده سیاق در موارد بسیار متنوعی مورد استفاده نویسندهای **تفسیر المیزان** و **نمونه** قرار گرفته که نشانگر قابلیت فوق العاده آن در گره‌گشایی از تفسیر آیات بسیاری از قرآن است. در ادامه، این کارکردها به ترتیب فراوانی آنها در **تفسیر المیزان** ذکر شده و برای به دست آوردن میزانی جهت مقایسه این کارکردها در این دو تفسیر، در ذیل هر عنوان به تعداد موارد کاربرد این قاعده نیز اشاره شده است.

تبیین مفهوم آیات

بیشترین کارکرد سیاق در هر دو **تفسیر المیزان** و **نمونه**، کشف و تبیین مفهوم آیات قرآن کریم و استخراج نکات لطیف تفسیری است. علامه طباطبائی در ۹۱۷ مورد به کمک سیاق به تبیین مفهوم آیات پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴) برای نمونه ایشان در ذیل آیات ابتدایی سوره رعد:

«الرَّ إِلَكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَاللَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» می‌نویسد:

ظاهر سیاق آیه و سه آیه بعد با توجه به اتصالی که با یکدیگر دارند، از آیات تکوینی به حساب می‌آیند که به برافراشتن آسمان‌ها، گستراندن زمین، مسخر کردن خورشید، ماه و غیره اشاره دارند و اینها همه بر توحید خداوند سبحان دلالت دارند و قرآن پرده از آن برداشته و حق نیز به سوی آن فرامی‌خواند. این آیه تذکر می‌دهد که تدبیر در اجزاء آیات و تفکر در آن‌ها، یقین به مبدأ و معاد و نیز علم به حقانیت آنچه را که بر پیامبر ﷺ فرود آمده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۲۸۵)

علامه همچنین درباره آیه «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفِّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنَظَّرُونَ» (بقره / ۱۶۲)

می‌نویسد:

«خَالِدِينَ فِيهَا» [مرتبط با آیه قبل ۳] و به این معناست که کافران در لعن جاودان هستند و ادامه آیه «لَا يُخَفِّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنَظَّرُونَ» تبدیل سیاق از لعن به عذاب است تا دلالت کند که لعن به عذابی برای آنان تبدیل می‌شود. (همان: ۱ / ۳۹۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۱ / ۱۲۷؛ ۲ / ۴۰۸؛ ۵ / ۳۰۰)

نمونه‌ای از استخراج نکات لطیف تفسیری با توجه به سیاق آیات را می‌توان در رمزگشایی از حروف مقطعه مشاهده نمود:

اگر کمی در سوره‌هایی که سرآغازشان مشترک است، دقت کنید، از نظر مفهوم نیز به هم شباهت دارند و سیاقشان یک سیاق است، به طوری که شباهت بین آنها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود. با در نظر گرفتن این شباهت‌ها ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره‌هایی که با این حروف آغاز شده، ارتباط خاصی باشد. (همان: ۱۸ / ۶ - ۱۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در ۱۹۳ مورد به کمک سیاق به تبیین مفهوم آیات پرداخته است برای نمونه ایشان در آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا»، (بقره / ۲۶) برای ترجیح یکی از دو احتمال در تفسیر عبارت «فَمَا فَوْقَهَا»، (بالاتر از آن در کوچکی یا بالاتر از آن در بزرگی) با توجه به این که سیاق آیات در مقام بیان کوچکی است و گوینده در مقام تحقیر و بیان ضعف مدعیان است، احتمال نخست را برگزیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۸۵؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۱ / ۵۰۹ - ۵۰۷ / ۱۶؛ ۱۱۷: ۱۲؛ ۱۶۲ / ۸؛ ۲۷۶ / ۳؛ ۹۹ / ۲؛ ۵۰۵ - ۵۰۴ / ۱)

ارزیابی آراء مفسران

علامه طباطبایی ۳۸۱ بار به کمک سیاق آیات، به نقد و اختیار آراء مفسران پرداخته است که در غالب این موارد، نظرهای تفسیری را نقد کرده است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰) برای نمونه: ایشان ذیل آیه چهار سوره عنکبوت «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْقُوْنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» می‌نویسد:

بعضی از مفسران درباره این آیه گفته‌اند: مفاد آیه مربوط به توبیخ مؤمنان نافرمان می‌باشد و مراد از این قسمت از آیه که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ» نیز مؤمنان نافرمان هستند و مراد از سیئات، گناهانی غیر از شرک است که مرتكب می‌شوند، اما سیاق آیه با این نظر مساعدت ندارد. (همان: ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۰۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۲ / ۳۳۹، ۳ / ۱۹۳، ۵ / ۴۳۲؛ ۸ / ۱۹۳؛ ۲ / ۳۳۹)

در تفسیر نمونه نقد و اختیار آراء مفسران به کمک سیاق ۴۶ بار صورت گرفته است؛ مثلاً ایشان درباره آیه «...الَّثَّارَ الَّتِي وَقُوْدُهَا الْثَّالِسُ وَالْحَجَّارُ» (بقره / ۲۴) می‌نویسد:

برخی از مفسران معتقدند منظور از این تعبیر توجه دادن به شدت حرارت دوزخ است ... ولی آنچه با ظاهر آیات فوق سازگارتر به نظر می‌رسد این است که آتش دوزخ از درون خود انسان‌ها و سنگ‌ها شعله‌ور می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۶۳ - ۱۶۴؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک: ۱ / ۳۱۸؛ ۲ / ۸۹؛ ۳ / ۲۵۶)

(۲۰۸ - ۲۰۷ / ۹؛ ۲۹۸ / ۷)

تعیین معنای واژه

یکی دیگر از کارکردهای سیاق تعیین معنای واژه‌هایی است که بیش از یک معنا بر آنها متصور است. علامه طباطبایی در ۲۱۷ مورد با بهره‌گیری از سیاق به تبیین و تعیین مصداق معنایی واژگان پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵) برای نمونه ایشان در آیه «الَّائِيْنُ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ»، (توبه / ۱۱۹) گرچه معنای لغوی کلمه «السَّائِحُونَ» را سیر و گردش در زمین می‌داند اما در این آیه با توجه به سیاق، معنای سیر و رفت و آمد در جایگاه‌های عبادت و مساجد را پیشنهاد داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۹؛ ۳۹۶) ایشان همچنین مراد از عصر در سوگند ابتدای سوره عصر را با توجه به مضمون دو آیه بعد، عصر - یعنی زمان - پیامبر ﷺ که عصر طلوع اسلام بر جامعه بشری و آشکار شدن حق در برابر باطل است می‌داند. (همان: ۲۰ / ۳۵۵)

در تفسیر نمونه در ۶۸ مورد از سیاق برای تعیین معنای واژه استفاده شده و جایگاه دومین کارکرد

سیاق را پیدا نموده است. به عنوان نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی در آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ يَنَاءً...»، (بقره / ۲۲) می‌نویسد:

کلمه «سماء» در قرآن به معانی مختلفی آمده است که قد مشترک همه آنان معنای فوق است. یکی از آنها که در این آیه به آن اشاره شده است، همان جو زمین است.

مستند ایشان وقوع این کلمه در سیاقی است که مشتمل بر کلمه «ارض» به معنای زمین و سایر نعم مادی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۵۵؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک: ۴ / ۵۳۳؛ ۵ / ۵؛ ۳۴۵ / ۱۱؛ ۲۶۸ / ۱۳؛ ۵۸۰ / ۶)

تبیین قواعد ادبی

علامه طباطبایی ۱۶۸ بار با بهره‌گیری از سیاق به تبیین قواعد ادبی (صرف، نحو و بلاغت) آیات پرداخته است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹) برای نمونه ایشان ذیل آیه «قَالَ عَفْرِيتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوْيٌ أَمِينٌ»، (نمک / ۳۹) می‌نویسد:

«آتیک» اسم فاعل و یا فعل مضارع از مصدر «اتیان» است و احتمال اسم فاعل بودنش با سیاق مناسبت بیشتری دارد؛ زیرا اولاً اسم فاعل بر استمرار و آمیختگی فعل (در فاعل) دلالت دارد. ثانیاً جمله «وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوْيٌ أَمِينٌ»، جمله اسمیه است و عطف آن بر جمله اسمیه مناسبت بیشتری دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵؛ ۳۶۲؛ ۱۲۲ / ۱۹؛ ۱۳۲ / ۱۹؛ ۳۱۲ / ۱۹) برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۱۴ / ۱۴؛ ۵۱۴ / ۲؛ ۱۳۸۷ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۰ - ۲۴)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پنج مورد از سیاق برای این امر بهره گرفته است. برای نمونه ایشان در آیه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمِنًا يَهُ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا»، (آل عمران / ۷) برای تعیین این که جایگاه نحوی کلمه «راسخون» عطف است یا آغاز جمله‌ای مستقل، به کمک ادله متعددی که یکی از آنها سیاق آیات است احتمال نخست را ترجیح داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۱۴ / ۲)

ارزیابی روایات

علامه طباطبایی در مجموع در ۵۹ مورد با بهره‌گیری از سیاق آیات به تأیید و نقد روایات مرتبط با قرآن کریم پرداخته است. این روایات پیرامون تاریخ‌گذاری آیات، تفسیر آیات، نسخ و تحریف قرآن کریم هستند. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۰ - ۲۴) برای نمونه، ایشان ذیل آیه «فُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

تعالَوْا إِلَيْكُمْ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَاّ تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ...»، (آل عمران / ۶۴) در نقد روایاتی که نزول آن را در ابتدای هجرت دانسته‌اند، می‌نویسد: «اتصال سیاق آیات این سوره تأیید می‌کند که این آیه قبل از سال نهم هجری نازل شده‌است و داستان وَفْد نیز در سال ششم هجری یا قبل از آن اتفاق افتاده است». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳؛ ۲۶۸ - ۲۶۷؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۹ / ۱۴؛ ۷۷ / ۳۷۷؛ ۳۳۰ / ۱۱؛ ۳۷۰ / ۲۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز ۱۸ بار در تفسیر نمونه سیاق را ابزاری برای ارزیابی روایات قرار داده است. برای نمونه ایشان درباره عبارت «يَقْهُوا قَوْلٍ» (طه / ۲۸) می‌نویسد:

این جمله در حقیقت، آیه قبل را تفسیر می‌کند و از آن، روشن می‌شود که منظور از گشوده شدن گره زبان، این نبوده است که زبان موسی^{علیه السلام} به خاطر سوتگی در دوران طفولیت یک نوع گرفتگی داشته (آن‌گونه که بعضی از مفسران از ابن عباس نقل کرده‌اند) بلکه منظور گره‌های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۲۱۲)

البته سیاق گاهی به تأیید روایات ذیل آیات نیز آمده است که نمونه آن روایاتی است که قارون را از یک سو نماینده فرعون و از سوی دیگر خزانه‌دار گنج‌های فرعون معرفی نموده است. آیت‌الله مکارم شیرازی سیاق آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مؤمن را تأییدی بر این روایات دانسته است. (همان: ۱۶ / ۱۸۷ - ۱۸۶)

تاریخ‌گذاری قرآن

تاریخ‌گذاری یا کرونولوژی قرآن عبارت از این است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اسلام^{صلوات الله علیه و آله و سلم} و بهره‌گیری از اشاره‌ها یا تصریح‌هایی که در قرآن در باب رویدادهای زمان‌مند تاریخ رسالت آن حضرت وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول قرآن، اعم از یک سوره، تمام یا بخشی از یک سوره، شناسایی و معین گردد. (نکونام، ۱۳۸۰: ۲)

از جمله قرائی و دلائل برای تعیین تاریخ‌گذاری آیات و سوره، سیاق آیات است که علامه طباطبایی در مجموع در ۹۶ مورد از آن بهره برده است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰ - ۱۳) این موارد شامل شناسایی آیات و سوره‌های مکی و مدنی، (ن. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۵؛ همان: ۱۱ / ۲۸۵؛ همان: ۱۲ / ۲۰۳)، شناسایی واحد نزول آیات و سوره‌ها (ر. ک: همان: ۲ / ۴؛ ۵ / ۷؛ ۴ / ۲۰؛ ۳۲۲ / ۲۰) و

تعیین زمان نزول آیات (همان: ۹ / ۱۹ و ۳۶۷ / ۲۰۳) است.

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در هشت مورد از سیاق آیات برای این مهم استفاده کرده است. برای نمونه ایشان در ذیل آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، (مائده / ۳) می‌نویسد:

باید از روی قرائت و نشانه‌ها و تاریخ نزول این آیه و این سوره و تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ و روایاتی که از منابع مختلف اسلامی به دست ما رسیده این روز مهم را پیدا کنیم. آیا منظور روزی است که احکام بالا درباره گوشت‌های حلال و حرام نازل شده؟ قطعاً چنین نیست؛ زیرا نزول این احکام واجد این همه اهمیت نیست نه باعث تکمیل دین است؛ زیرا آخرین احکامی نبوده که بر پیامبر ﷺ نازل شده، بهدلیل اینکه در دنباله این سوره به احکام دیگری نیز برخورد می‌کنیم. آیا منظور از آن روز عرفه در آخرین حج پیامبر ﷺ است؟! پاسخ این سؤال نیز منفی است؛ زیرا نشانه‌های فوق بر آن روز نیز تطبیق نمی‌کند، چون حادثه خاصی که باعث یأس کفار شود در آن روز واقع نشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴ / ۳۴۱)

نمونه دیگر این کاربرد در تفسیر نمونه حکم به وحدت نزول آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره بر پایه وحدت سیاق آنهاست. (همان: ۲ / ۲۸)

تشخیص مرجع ضمیر

یکی از مسائل مهم در تفسیر آیات قرآن، توجه به مرجع ضمایر آیات است. علامه طباطبایی در ۹۴ مرتبه به کمک سیاق به تعیین مرجع ضمیر پرداخته است؛ (جغری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶) برای نمونه، ایشان ذیل آیه ۱۰ سوره انفال «وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بَشَرَيَ وَلَتَطْمَئِنَّ يَهُ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» می‌نویسد:

دو ضمیری که در واژه‌های «جَعَلَهُ» و «يَهُ» وجود دارد، با توجه به دلالت سیاق به امداد ملائکه بازمی‌گردند و معنا آن این می‌شود که یاری نمودن ملائکه هدف بشرط و موجب اطمینان شما بوده است، نه اینکه کافران به دست آنها کشته شوند، همان‌گونه که در آیه بعد به آن اشاره شده است. (ر. ک به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۱؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۳ / ۳؛ ۹۴: ۴ / ۲۰۸؛ ۵ / ۴۰؛ ۳۴۸ / ۱۰؛ ۷۵ / ۸)

در تفسیر نمونه نیز ۱۹ بار مرجع ضمیر به کمک سیاق تعیین شده است. برای مثال، آیت‌الله

مکارم شیرازی ذیل آیه «وَسَعَ كُرْسِيَهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حَفْظُهُمَا»، (بقره / ۲۵۵) مرجع ضمیر مفعولی در «يَئُودُهُ» را با توجه به سیاق آیات قبل، واژه «الله» می‌داند و نه «کرسی». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ / ۲: ۳۲۲؛ ۱۳۷ / ۱۵: ۳۰۰؛ ۳۴۵ / ۶: ۳۶ – ۳۵) برای ملاحظه نمونه‌های دیگر ر. ک به: ۴ / ۳۵

تشخیص مخاطب

در مواردی که به شخص مخاطب تصریح نشده، تشخیص آن با دشواری‌هایی همراه است. یکی از روش‌های اطمینان‌بخش برای یافتن مخاطب آیات، بهره‌گیری از سیاق آیات است. علامه طباطبایی در ۴۰ مورد، با بهره‌گیری از سیاق به تعیین مخاطب آیات پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶) از جمله ایشان ذیل آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أَمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء / ۹۲) می‌نویسد: «خطاب در این آیه، چنان‌که سیاق آیات شهادت می‌دهند، خطابی عام است که همه انسان‌های مکلف را در بر می‌گیرد». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴؛ ۳۲۲)

در *تفسیر نمونه* نیز چنین کارکردی از سیاق در چهار مورد وجود دارد؛ به عنوان نمونه در سوره یوسف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بعد از آنکه زنان مصر بر بی‌گناهی یوسف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نزد فرمانروای مصر شهادت دادند، همسر عزیز مصر (زليخا) گفت:

الآنَ حَصَّصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوِدُتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ. (یوسف / ۵۱)

الآن حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است.

سپس به گناه خود اعتراف کرد و از آنجا که گویا از خواب غفلت بیدار شده بود، افزود:

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْتُنْ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ. (یوسف / ۵۲)

این سخن را به خاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او خیانت نکردم و خداوند مکر خائنان را رهبری نمی‌کند.

به این ترتیب وی اعتراف به خطای خود را به اوج رساند، چنان‌که در آیه بعد می‌خوانیم:

وَ مَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي عَفُورٌ رَّحِيمٌ. (یوسف / ۵۳)

من هرگز نفس خویش را تبرئه نمی‌کنم که نفس (سرکش)، بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند، پروردگارم غفور و رحیم است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آن از نقش نفس امّاره سخن بهمیان آمده و تمّنای عفو از

سوی خدای متعال شده است. مفسران در اینکه آیه فوق از سخنان زلیخا است یا سخن یوسف علیه السلام اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی با توجه به علو مقاهم این سخن معتقد است باید کلام حضرت یوسف علیه السلام باشد، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ - ۲۱۵ / ۲۱۶) اما تفسیر نمونه ذیل این آیه می‌نویسد:

وحدت سیاق ایجاب می‌کند که از گفتار زلیخا باشد و دنباله اعتراف‌های قبلی او. در سیاق آیات سخنی از یوسف علیه السلام در میان نبوده، تا این آیه ناظر به آن باشد و دور از ذهن نیست که زلیخا بعد از بیداری وجودان و اعتراف مکرر به خطای خود چنین سخن بگوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹ / ۴۳۴)

نمونه دیگر این کارکرد، تعیین مخاطب واقعی است. مثلاً در آیه «فَإِنْ كُثِّرَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَتَرْكُنا إِلَيْكَ فَاسْأَلُ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ»، (یونس / ۹۴) آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به سیاق آیات چنین نتیجه گرفته است که گرچه مخاطب ظاهری شخص پیامبر علیه السلام است اما مخاطب واقعی مخالفان هستند:

چون در آیات گذشته قسمت‌هایی از سرگذشت‌های انبیاء و اقوام پیشین ذکر شده بود و ممکن بود بعضی از مشرکان و منکران دعوت پیامبر علیه السلام در صحت آنها تردید کنند، قرآن از آنها می‌خواهد که برای فهم صدق این گفته‌ها به اهل کتاب مراجعه کنند و چگونگی را از آنها بخواهند؛ چرا که در کتب آنها بسیاری از این مسائل آمده است. اما به جای اینکه روی سخن را به مخالفان کند، پیامبر را مخاطب ساخت.
(همان: ۸ / ۴۶۴)

تبیین مبهمات

علامه طباطبایی ۲۹ بار به کمک سیاق در تبیین مواردی که به هر دلیل در قرآن کریم بدان تصریح نشده و مبهم باقی مانده، سعی داشته که بیشتر این موارد را به نکات تاریخی پیوند زند. برای نمونه ایشان با توجه به سیاق، سخن نقل شده در آیه «وَإِنْ تُصِّبُهُمْ سَيِّئَةً يَكُوْلُوا هُذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، (نساء / ۸۷) را نه سخن یهودیان و نه سخن منافقان می‌داند، بلکه بر این باور است که:

مراد از «حسنه» و «سیئه» حوادث تلح و شیرین دوره مدنی است و این آیه بازگوکننده سخن مردمی است که از ایمان کافی برخوردار نبودند و سیئات را به پیامبر نسبت می‌دادند و او را مایه نابسامانی‌های خویش می‌دانستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۷)

ابزار سیاق در تفسیر نمونه نیز ۱۳ بار به کمک نویسنده آمده تا ابهام‌هایی این چنین را تبیین

نماید. برای نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی در آیه «وَأَمْرَأُتُهُ قَائِمَةً فَضَحِّكَتْ بَشِّرَنَاهَا يَإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود / ۷۱) احتمال‌های مختلفی را درباره سبب خنده همسر ابراهیم علیه السلام نقل نموده و به کمک دلالت سیاق آیات بر این که بشارت به اسحاق بعد از این خنده به او داده شده است، این احتمال که خنده او از جهت خوشحالی به‌خاطر بشارت بر فرزند بوده باشد را نمی‌پذیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹ / ۲۰۷؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: ۱ / ۵۷۸؛ ۲ / ۲؛ ۱۴۹ / ۹؛ ۱۷۰ / ۵)

ارزیابی قرائات

از جمله روش‌های معمول برای تفسیر آیات، توجه به قرائات‌های مختلف واژگان قرآن است، و بر این پایه، تفسیر آیه گاه بر اساس اختیار یک قرائت و گاه با احتمال صحیح چند قرائت صورت می‌پذیرد. برای دستیابی به قرائت صحیح و مختار واژگان، راه‌های مختلف وجود دارد که از جمله آنها بهره‌گیری از سیاق آیات است. علامه طباطبایی در شش مورد با بهره‌گیری از سیاق به اختیار قرائت صحیح آیه پرداخته است؛ (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲) برای نمونه، در *المیزان* ذیل آیه ۹ سوره فتح «لَتَؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْزِزُوهُ وَتَوَقُّرُوهُ وَتَسْبِحُوهُ بُكْرَةً وَآصِيلًا» آمده است:

قرائت مشهور در افعال چهارگانه این آیه، به تاء مخاطب است. ابن‌کثیر و ابو‌عمر و تمام این افعال را به یاء غایب قرائت کرده‌اند و قرائت این دو با توجه به سیاق، صحیح‌تر می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸؛ ۲۷۳؛ برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر. ک به: همان: ۲؛ ۱۵۹؛ همان: ۵؛ همان: ۱۵؛ ۱۹۲؛ همان: ۱۵؛ ۴۰۲؛ همان: ۲۰؛ ۴۰)

در *تفسیر نمونه* به مسئله اختلاف قرائت‌ها توجه چندانی نشده است، از این‌رو موردی که در آن از سیاق بهره گرفته شده باشد، دیده نمی‌شود.

استخراج حکم شرعی

علامه طباطبایی تنها در چهار مورد با بهره‌برداری از سیاق به بیان احکام شرعی پرداخته است. برای نمونه، ذیل آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤْلَفَةُ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»، (توبه / ۶۰) می‌نویسد:

آیه بیانگر مصارف صدقه واجب است. بر اساس سیاق آیه و با توجه به جمله «فَرِيضَةٌ

مَنَ الَّهُ كَه ذِيلَ آيَهَ آمَدَهُ اسْتَ، مَرَادُ ازْ صَدقَهُ وَاجِبٌ، زَكَاتٌ مَى باشَدَ كَه مَوارِدُ
مَصَارِفُ آنَ هَشْتَ مَوْرَدَ مَى باشَدَ وَ لَازِمَهُ آنَ نَيزَ اينَ اسْتَ كَه فَقِيرٌ وَ مَسْكِينٌ جَدَاهِ
اَزِ يَكْدِيجَرِ درِ نَظَرِ گَرْفَتَهُ شَونَدَ. (طَبَاطَبَايِي، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۱۰؛ بَرَايِ مَلَاحِظَهِ
نَموَنهَهَايِ دِيَگَرِ، ر. كَ بَه: هَمانِ: ۵ / ۶۱؛ هَمانِ: ۵ / ۱۶۵ وَ هَمانِ: ۶ / ۱۱۱)

اما آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به ذوق و توجه فقهی خاص خود، در موارد بیشتری (۲۴ مورد)
به کار کرد سیاق در استخراج احکام فقهی توجه نموده است. برای نمونه ایشان درباره حکم «وَأَذْكُرُوا
الَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»، (بقره / ۲۰۳) می‌نویسد:

با توجه به اینکه این دستور، به قرینه آیات سابق مربوط به پایان مراسم حج است
ناظر به روزهای یازده و دوازده و سیزده ماه خواهد بود که در لسان روایات به عنوان
«ایام تشریق» نامیده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲ / ۸۷؛ برای ملاحظه
نمونه‌های دیگر، ر. ك: ۲ / ۴۸۱؛ ۱۶۲ / ۴؛ ۳۶۸ / ۴؛ ۳۰۹ / ۴)

تقیید مطلق‌ها

یکی از روش‌های یافتن آیات مقید، توجه به سیاق است. علامه طباطبایی در یک مورد چنین
استفاده‌ای از سیاق کرده است. ایشان ذیل آیه «وَكَوْلًا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهُمَّ طَائِفَةٌ مُّنْهُمْ
أَنْ يُضْلِلُوكَ وَمَا يُضْلِلُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَضْرُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»
(نساء / ۱۱۳) می‌نویسد:

این قسمت از آیه «وَمَا يَضْرُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ» ضرر رساندن کافران به
پیامبر ﷺ را به صورت مطلق نفي می‌کند. مع ذلك، ظاهر سیاق بیانگر تقیید آن با
جمله «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۷۸)

برای این کار کرد سیاق در تفسیر نمونه موردی یافت نشد.

نتیجه

قاعده تفسیری سیاق کارکردهای فراوانی در فهم و تفسیر قرآن کریم دارد. این قاعده در تفسیر
المیزان ۲۰۹۵ بار و در تفسیر نمونه ۳۹۸ بار مورد استفاده قرار گرفته است. تفسیر نمونه بر خلاف
تفسیر المیزان کار خود را با نقل شأن نزول آیات آغاز می‌کند و بیش از آن که بخواهد سیاق را
دست‌مایه‌ای برای بهره‌گیری جزئی در تفسیر کلمات و آیات کند، سعی در کشف و بیان ارتباط آیات

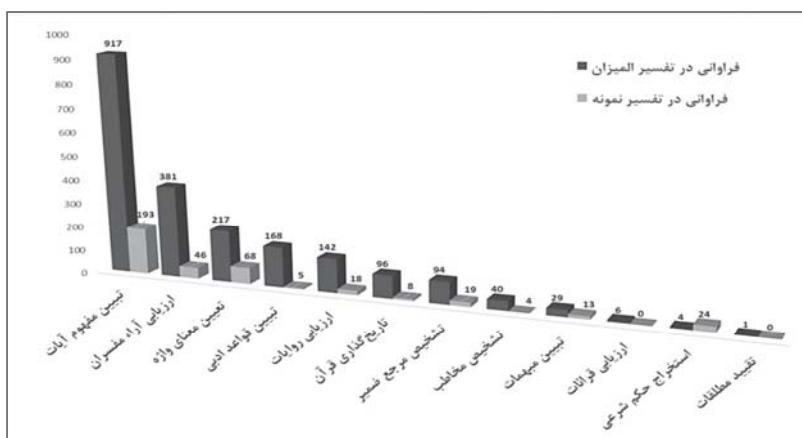
و فرازهای مختلف یک سوره دارد تا از این رهگذر سیر پیوسته آیات یک سوره و مقصود از چینش کنونی آیات را نشان دهد. هرچند قطعاً پس از شکل‌گیری این سیر منسجم گشایشی برای فهم بهتر آیات قبل و بعد حاصل خواهد شد.

تفسیر نمونه با توجه به هدفی که برای خویش قرار داده است، بهدلیل ارائه درس‌هایی از قرآن برای حل مشکلات جامعه اسلامی بوده است. ازین‌رو در بسیاری موارد به بررسی تفصیلی آراء مفسران، روایات تفسیری، اختلاف قرائت‌ها و احتمال‌های دیگر نپرداخته است و تنها نظر نهایی و مختار خویش را ارائه نموده یا بدون ذکر دلیل یکی از احتمال‌ها را ترجیح داده است. ازین‌رو، و همچنین با توجه به ناظر بودن این تفسیر بر تفاسیر دیگری چون *المیزان* می‌توان گفت که گرچه قاعده سیاق این کتاب نمود بسیار کمنگ‌تری نسبت به *تفسیر المیزان* دارد اما قطعاً به میزان گسترده‌ای مورد توجه مؤلف بوده است.

در این پژوهش با تقسیم بندي کارکردهای مختلف سیاق و احصاء هر مورد در این دو تفسیر، جدول زیر به دست آمده است.

ردیف	کارکرد	فراآنی در تفسیر نمونه	فراآنی در تفسیر المیزان
۱	تبیین مفهوم آیات	۱۹۳	۹۱۷
۲	ارزیابی آراء مفسران	۴۶	۳۸۱
۳	تعیین معنای واژه	۶۸	۲۱۷
۴	تبیین قواعد ادبی	۵	۱۶۸
۵	ارزیابی روایات	۱۸	۱۴۲
۶	تاریخ‌گذاری قرآن	۸	۹۶
۷	تشخیص مرجع ضمیر	۱۹	۹۴
۸	تشخیص مخاطب	۴	۴۰
۹	تبیین مبهمات	۱۳	۲۹
۱۰	ارزیابی قرائات	۰	۶
۱۱	استخراج حکم شرعی	۲۴	۴
۱۲	تقیید مطلقات	۰	۱
مجموع			۳۹۸
۲۰۹۵			

جدول ۱: فراوانی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان و نمونه



نمودار ۱: فراوانی کاربردهای سیاق در تفسیر المیزان و نمونه

با دقت در جدول و نمودار فوق می‌توان گفت که نسبت یکسانی میان فراوانی کاربردهای مختلف سیاق در **المیزان** و **تفسیر نمونه** وجود ندارد. در مجموع، قاعده سیاق در تفسیر **المیزان** بیش از پنج برابر **تفسیر نمونه** به کار رفته است. این نسبت در کارکرد تبیین مفہوم آیات و استخراج نکات لطیف تفسیری که پرسامدترین کاربرد در هر دو تفسیر نیز هست، تقریباً حفظ شده است.

پس از آن، ارزیابی آراء مفسران، تعیین معنای واژگان، ارزیابی روایات شأن نزول و تفسیری، تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآنی، تشخیص مرجع ضمیر، تشخیص مخاطب و تبیین مبهمات جایگاه بعدی در هر دو تفسیر را از آن خود کرده‌اند.

علامه طباطبایی در حدود ۱۶۸ مورد به تبیین قواعد ادبی به کمک قاعده سیاق پرداخته است اما این کارکرد تنها ۵ بار در **تفسیر نمونه** قابل مشاهده است. مشابه این امر در ارزیابی قرائات نیز وجود دارد: **المیزان** در ۶ مورد از آن استفاده کرده اما در تفسیر نمونه موردي برای آن دیده نمی‌شود؛ علت این امر را همان‌طور که پیش‌تر بیان شد می‌بایست در تفاوت هدف اصلی این دو تفسیر جستجو نمود.

تنها کاربردی که برخلاف روند سایر کاربردها، در تفسیر نمونه فراوانی بیشتری دارد، استخراج احکام فقهی است. آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به ذوق و توجه فقهی خاص خود، در ۳۴ مورد از سیاق برای این منظور بهره برده است، درحالی‌که **المیزان** تنها چهار بار این کارکرد قابل مشاهده است. این امر به روشنی تأثیر توانایی، علاقه و هدف مفسر را در میزان بهره‌گیری او از قاعده سیاق نشان می‌دهد.

در پایان، باید به تقيید مطلق‌ها اشاره نمود که کم‌استفاده‌ترین کاربرد سیاق است، این امر در تفسیر **المیزان** تنها یک مورد اتفاق افتاده و در **تفسیر نمونه** اصلاً دیده نمی‌شود.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاييس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چ ۳.
- اوسي، علی، ۱۳۸۱، *روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان*، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۷۹، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۹۴، *قواعد تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملائين.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعه لتحصیل الی مسائل الشريعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حسینی، محمدرضا، ۱۴۰۰ق، *كيف نفهم القرآن*، بی‌جا، مؤسسه وفا.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۸۶، *ساختارهای هندسی سوره‌های قرآن؛ پیش درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، *فرهنگ متوسط دهخدا*، تحقیق جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۳، *هرمونتیک و منطق فهم دین*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- رجبی، محمود، ۱۳۹۴ش، *روش تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۶.
- زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق جمال حمدی ذهبی، ابراهیم عبدالله کردی و یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار المعرفة.
- سبت، خالد بن عثمان، ۱۴۲۶ق، *قواعد التفسير جمعاً و دراسة*، قاهره و ریاض، دار ابن عفان و دار ابن القیم.
- صدر، سید محمد باقر، ۱۴۲۰ق، *دروس فی علم الاصول (الحلقة الاولى)*، قم، دار الشقلین.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی، چ ۳.
- عبدالفتاح محمود، المثنی، ۲۰۰۸، *نظریة السياق القرآني دراسة تاصلية دلالية تقدیمه*، اردن، وائل.
- فاکرمیبدی، محمد، ۱۳۸۹، آیات الاحکام تطبیقی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، چ ۲.
- فاکرمیبدی، محمد، ۱۴۲۸ ق، *قواعد التفسیر لدى الشيعة و السنة*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *كتاب العین*، قم، دارالهجرة، چ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر فی غریب شرح الكبير للرافعی*، قم، دار الهجرة.
- قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۹۳، *بیولوژی نص*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.
- گروه مولفان، ۱۳۷۵، *المعجم الوسيط*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *آشنایی با قرآن*، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهدادی، ۱۳۸۷، *علوم قرآنی*، قم، التمهید، چ ۹.
- معرفت، محمدهدادی، ۱۳۹۰، *تفسیر اثربی جامع*، ترجمه جواد ایروانی، قم، التمهید.
- معلم کلایی، شمس الله، ۱۳۹۱، *روش‌شناسی تفسیر من وحی القرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۷، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۶
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، آیات ولایت در قرآن، قم، نسل جوان، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ ق، آیه الولایة فی القرآن، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیهم السلام.
- وائلی، محمد بن حمود، ۱۴۰۷ ق، *القواعد الفقهیة تاریخها واثرها فی الفقه*، المدینة المنوره، الرحاب.

(ب) مقاله‌ها

- جعفری، محمد، حسن اصغرپور و مرتضی اوحدی، ۱۳۹۵، «بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان»، *سراج منیر*، ش ۲۴ - ۷، ص ۴۶ - ۷، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- ربيع نتاج، سید علی‌اکبر، ۱۳۸۵، «نقش سیاق در کشف معانی قرآن از منظر مؤلف المیزان»، *مطالعات اسلامی*، ۱۳۸۵، ش ۷۲، ص ۵۵ - ۸۲، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- رضایی کرمانی، محمدعلی، ۱۳۷۶، «جایگاه سیاق در المیزان»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۰۵ - ۱۹۴، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- فاکرمیبدی، محمد، ۱۳۸۷، «سیاق و تفسیر قرآن»، *قبیلت*، ش ۵۰، ص ۱۵۴ - ۱۳۱، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلباسی اصفهانی، فهیمه و مصطفی میرسعید، ۱۳۹۴، «روش‌شناسی علامه طباطبایی در بهره‌گیری از سیاق در المیزان»، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، ش ۲، ص ۸۷ - ۶۶، تهران، دانشگاه پیام نور.
- کعنانی، سید حسین، ۱۳۸۴، «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، *مشکوٰة*، ش ۸۷، ص ۴۲ - ۲۸، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مروتی، سهراب و امان‌الله ناصری کریموند، ۱۳۹۱، «روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق»، *حدیث پژوهی*، ش ۸، ص ۲۳۲ - ۲۰۹، کاشان، دانشگاه کاشان.
- ناصح، علی‌احمد، ۱۳۸۵، «کارکردهای سیاق در تفسیر قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۱۰۷ - ۱۳۰، تهران، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران.
- نقی پورفر، ولی‌الله و رضا حاج‌خلیلی، ۱۳۹۰، «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات»، *كتاب قيم*، ش ۲، ص ۹۹ - ۱۲۳، میبد، دانشگاه میبد.

